



این شماره از نشریه را تقدیم میکنیم به حضرت فاطمه ی زهرا (س) و شهید فتحی ابراهیم عبدالعزیز الشقاقی



انقلاب، عدالت، مبارزه (مدت زمان مطالعه: ۴ دقیقه)

در آستانه‌ی ورود به چهلمین سال انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و در آخرین ماه‌های دهه «پیشرفت و عدالت»، اگرچه بی‌عدالتی‌های فراوانی را از پیش رو برداشتیم، اما هم‌چنان با نقطه‌ی آرمانی فاصله داریم: «عدالت، عدالت اجتماعی، برداشتن فاصله‌های زیاد بین قشرهای مختلف مردم. در این زمینه البته کم‌کاری داریم، عقب‌ماندگی داریم، کاری که باید در این زمینه انجام بگیرد آن‌چنان‌که شایسته و بایسته و لازم بوده انجام نگرفته؛ باید بجد دنبال این باشیم و بدانید که به توفیق الهی دنبال این هستیم و از این قضیه صرف‌نظر نخواهیم کرد؛ این یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی است.» (۱)

شاید یکی از دلایل آن، نگاه نادرست به جایگاه و ارزش عدالت است. مقام معظم رهبری، در همان بیانات، عدالت را ارزشی «مطلق»، و بقیه ارزش‌ها را «نسبی» برشمردند. بنابراین، این ارزش، حاکم بر بقیه بوده و ارزش آن‌ها نیز در گرو برقراری عدالت است. اما متأسفانه نگاه لیبرال در اکثر سال‌های پس از انقلاب، تنها به دنبال رشد اقتصادی، مهار تورم و از این قبیل بوده است. و هنگامی که با وجود دلالت اعداد و ارقام بر رشد مثبت اقتصادی و تورم تک رقمی، با اعتراضات و ناراضی‌های مردمی روبرو می‌شوند، انگشت به دهان می‌گیرند که: دیگر چکار باید می‌کردیم؟ «غافل از اینکه ارزش مطلق و حاکم بر همه‌ی این شاخص‌ها، عدالت اجتماعی است. هم‌چنان که امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «فَأَنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً» در عدالت، گشایش و رفاه برای عموم مردم است. (۲) «یعنی گشایش و رفاه عمومی نیز در گرو عدالت است، و تا به سمت عدالت به عنوان ارزشی مطلق و حاکم بر بقیه ارزش‌ها حرکت نکنیم، از گشایش و رفاه واقعی و پایدار برای عموم مردم نیز خبری نخواهد بود. اما متأسفانه بسیاری از تصمیم‌گیران اصلی، راه را برعکس رفتند و گفتند که توسعه ایجاد می‌کنیم، و با سرریز آن به طبقات پایین، عدالت هم حاصل خواهد شد! در نتیجه، دست از پا درازتر، نه از توسعه‌ی غریبشان خبری شد و نه از عدالت واقعی و همه‌جانبه!

اما صرف‌نظر از نوع نگاه، ایشان اقدام اصلی را مبارزه عملی با هرگونه ظلم و فساد و تبعیض، و دنبال کردن آن به صورت جدی دانسته و افزودند: «حرف مردم را باید گوش کرد؛ حرف مردم شکایت از فساد است، شکایت از تبعیض است؛ این حرف مردم است. مردم خیلی از مشکلات را تحمل میکنند، البته فساد را، تبعیض را نمی‌پسندند، شکوه دارند، شکایت میکنند. شکایت مردم از فساد و از تبعیض است که باید مسئولین - چه مسئولین قوه‌ی مجریه، چه مسئولین قوه‌ی قضائیه، چه مسئولین قوه‌ی مقننه - به طور جد دنبال کنند.» «تبعیضی که از پایه‌های نامشروع بودن نظام پوسیده‌ی پهلوی بود، تا آن‌جا که حضرت امام روح‌الله (ره) در نامه به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان برای تصویب قانون اساسی، اولین مورد از خصوصیات که قانون اساسی جامع باید واجد آن باشد را به رفع تبعیض همه‌جانبه اختصاص دادند و مرقوم داشتند: «الف - حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت، دور از تبعیضهای ناروا» (۳). «تبعیض‌هایی که هرچا اثری از آن دیده می‌شود، مثل خوره به جان مردم و مثل موریانه به جان پایه‌ها و ارکان نظام مقدسی می‌افتد که با خون پاک و مطهر حدود ۳۰۰ هزار شهید پا گرفته است. پس بهتر است تا دیرتر از این نشده، همه‌ی قوای کشور به خود آمده و حداقل در این آخرین روزهای سال اقدام و عمل، اقدام و مبارزه‌ی جدی را آغاز کنند. طوری که شیرینی آن به کام همه ملت بنشیند، ان شاء...»

(۱) بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۹/۱۱/۱۳۹۶.

(۲) نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵.

(۳) نامه به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان، ۲۹/۵/۱۳۵۸.

مردم گله مندند (مدت زمان مطالعه: ۲ دقیقه)

مردم ما از کمبودها و کسری‌ها گله ندارند، آنچه مردم را می‌آزارد تبعیضات ناروا و سواستفاده از بیت‌المال است و بس. شهید رجایی (ره)

گرانی‌های اخیر، بیکاری، ماشین‌های لوکس، خانه‌های آن‌چنانی، سفارتهای سیار آمریکا!! شاه‌واره‌های انقلابی، صف اول نماز جمعه‌هایی که عیش آنها معیشت مردم را سخت کرده است. رونمایی از قرآن مطلا به جای قرآن‌های جیبی شهدا، مردم را گله‌مند کرده است.

اما در گیر و دار این قضایا و گلاویه‌های به حق مردم از تبعیضات، که باید در قوانین کشور ساختار درست برای رسیدگی به این مطالبات تعریف شود، دشمنان داخلی و خارجی دنبال این هستند که از آب گل آلود ماهی بگیرند و کم و کاستی‌ها را به اسم نظام تمام کنند. قیام خمینی افتخارش این است که سرمنشأ خود را از اسلام می‌داند و بزرگی خوب اشاره کرد که کم و کاستی‌ها را به اسم اسلام تمام نکنید بلکه هر جا ما اختلالی در کارها داریم به خاطر عدم اجرای درست فرامین اسلام است.

مردم فارغ از اختلاف سلیق بصیرند و خوب این قضایا را از هم تفکیک می‌کنند. مردم همان کسانی هستند که حماسه‌های هشت سال دفاع مقدس را آفریدند، همان کسانی هستند که حماسه با شکوه ۹ دی و ۲۲ بهمن را آفریدند. اگر چه این حرفها شعاری به نظر می‌رسد اما حقیقت صداقت و پایبندی مردم که امام (ره) فرمودند امت ما از امت رسول خدا بهترند، سزوار مدح و ستایش بالاتری است.

به نظر می‌رسد همانطور که دشمن مردم را نشناخته ما نیز مردم را خوب نمی‌شناسیم چرا که جوانان دهه‌ی سومی مثل حججی، حجت را بر ما تمام کردند و بهمن امسال هم با حضور تماشایی خود حماسه‌ای دیگر می‌آفرینند.

ان شاء...



سخنرانی حجت الاسلام جلالی در هیئت محبین اهل بیت(ع) (مدت زمان مطالعه: ۵ دقیقه)

سوالات زیادی پیرامون واقعه شهادت حضرت زهرا (س) وجود دارد. اینکه چه می شود بعد از گذشتن چند ساعت از رحلت یا شهادت نبی مکرم اسلام(ص) اتفاقات تلخی با این وسعت رخ می دهد. اگر بخواهم همه چیزهایی که منشأ این اتفاق شد را عرض کنم، می شود از تعبیر اختلال در نظام محاسبه استفاده کرد. مردم از همان لحظه رحلت یا شهادت پیامبر (ص) دچار اختلال در محاسبه شدند و طبیعتاً وقتی محاسبه انسان دچار اختلال می شود رفتار انسان هم دچار اشتباه می شود. این اختلال در محاسبه مختص شهادت حضرت زهرا (س) نیست، این اختلال در محاسبه در زمان خلفای راشدین، در زمان امام علی (ع) هم اتفاق می افتد و اوج این اختلال محاسبه، واقعه عاشورا را رقم می زند.

نکته جالب این است که اگر از آنهایی که در تحلیل های این روزهای جامعه دستی دارند بپرسید یکی از اصلی ترین مسائل امروز ما در کشور چه هست؟ باز هم همین را می گویند. امروز اختلال در محاسبه یکی از گرفتاریهای ماست. اگر پرسش نامه جلوی شما گذاشته شود «که به نظر شما انقلاب اسلامی در این چند سال موفق شده است و به اهدافش رسیده است یا نه؟ صرف نظر از نگاه ارزش گذاری و صرف نظر از همه جواب ها که درست عمل کردیم یا غلط، یا موفق شدیم یا نشدیم، یک سوال دارم.

سوال این است: شما که میگوی انقلاب اسلامی پیروز شد. براساس چه دستگاه محاسبه ای میگوی انقلاب اسلامی پیروز شد؟ و آن کسی که میگوی شکست خورد، براساس چه نظام محاسبه ای می گویی که انقلاب اسلامی شکست خورد؟

استراتژی و راهبرد امروز دشمنان انقلاب این است که اختلال در نظام محاسباتی ایجاد کنند. اول هم اختلال در ذهن مسئولین و از لایه مسئولین آرام آرام وارد صحن نخبگان و بعد بیاورد در سطح مردم. امروز مسئله جریان های سیاسی و اجتماعی و مردم این است که خلاصه انقلاب اسلامی پیروز شد یا نه. مسئله تولید شده و در ذهن مردم زنده است. ما پیروز شدیم یا نه؟ اگر در نگاه معماران انقلاب اسلامی، پدیده انقلاب اسلامی پدیده ای است که کاملاً وابسته به مردم است. شما به عنوان کسی که می خواهید با این پدیده مقابله کند باید چیکار کنی؟ خیلی ساده است. بیا مردم را از انقلاب اسلامی نا امید کن. تمام است کار آن. اصلاً تعریف انقلاب اسلامی وقتی این است که انقلاب اسلامی پدیده ای است که بر دوش مردم سوار است، خوب وقتی مردم بروند کنار و دوششان را از زیر این بار بدهند کنار چه اتفاقی می افتد؟ انقلاب اسلامی تلپ می خورد زمین. چطور می توان این اتفاق را رقم می زنی؟ با تغییر در نظام محاسبه مردم. مردم در حساب و کتابشان یک دستگاه محاسبه نداشته باشند که بر اساس آن دستگاه محاسبه بتوانند درست نمره بدهند به انقلاب اسلامی. خیلی ساده هم هست. پس این خیلی خیلی امر مهمی است. به یک معنا بقای جمهوری اسلامی به این وابسته است که مردم درست محاسبه کنند یا درست محاسبه نکنند.

نکته اول از عناصر نظام محاسبه، در رویارویی با محاسبه پدیده هایی از جنس نهضت، از جنس حرکت، وقتی یک چیزی جنسش جنس حرکت است، یکی از عواملی که در محاسبه نقش حیاتی دارد، ممکن است کلاً نظام محاسبه شما را برگرداند از یک طرف به طرف دیگر، این است که شما عکس آن حقیقت را مبدأ محاسبه قرار ندهید، پدیده متحرک را محاسبه کنید. مثلاً یک آدم ناشی که از کشاورزی چیزی سر در نمی آورد، می رود یک کیسه بادام می خورد، یک زمین دارد، بادام را می گذارد و روی آن را می پوشاند، کود، آب. از یک جایی به بعد می گوید حالا سبز شود. می نشیند، بعد از مدتی حوصله اش سر می رود. نگاه می کند می گوید چی شد؟ یکی از آن بادامها را می آورد بیرون. با چی مواجه می شود؟ بادام سیاه، پوسیده، بد بو. کشاورز ناشی می گوید کاشکی این بادامها را حریره بادام درست می کردم می دادم بچه ها قوت بگیرند لاقل. چه اتفاقی افتاده است؟ اتفاقی که افتاده است این است که: این آدم پدیده متحرک را دارد عکس می گیرد. پدیده متحرک را جای اینکه محاسبه کند دارد از یک موقفش، عکس می گیرد. این را مبنای محاسبه اش قرار می دهد. فلذا این آدم می گوید من شکست خوردم. همین الان یک کشاورز خبره می آید به این نگاه می کند می گوید: آفرین! خیلی خوب پیش رفتی. می گوید این چی می گوید خوب پیش رفتی این که پوسته اش پوسیده. می گوید اگر پوست نمی پوسید جوانه نمی زد بیرون و جوانه در آن می مرد. یکی از بزرگان خیلی مکرر در مکرر این توصیه را می کرد و می کند، آن توصیه این است که اگر می خواهید بفهمید انقلاب اسلامی در چه موقفی است، یکی از راههایش این است که بروید تاریخ انقلاب های دنیا را مطالعه کنید. مثل یک کشاورز خبره ای که به کشاورز ناشی می گوید تو لاقل برو چند تا چیز مطالعه کن ببین اصلاً روند رشد یک دانه بادام چی است. چون مطالعه نکردی حسات این است که گند زدم ولی اگر مطالعه می کردی حسات این بود که خیلی خوب پیش رفتم. همه ی دانه های بادام از بعد چهل سالگی نسل سومشان را گیوتین می زنند، نسل اول را گردن می زنند. خیلی وقتها اصلاً نسل سومی وجود ندارد. شما برو نسل سوم یک انقلاب را ببین در چه وضعیتی است. امروز نسل سوم انقلاب به لحاظ کیفیت و کمیت در چه وضعیتی است نسبت به نسل اول و دوم، برو اینها را همه محاسبه کن، نمی گویم فقط این را محاسبه کن که بعد بگویی الحمدلله همه چی خوب است ولی ندیدن این هم نظام محاسبه تو را دچار اختلال می کند. این همان اتفاقی است که در نقطه نقطه تلخ تاریخ می بینیم. نظام محاسبه مردم کوفه عوض می شود امام حسین (ع) به وضعیت تلخ آن روز گرفتار می شوند. نظام محاسبه مردم مدینه عوض می شود، به این تلخی مبتلا می شویم که فکرش را هم نمی توانیم بکنیم.

مختصری از شهید فتحی الشقاقی (مدت زمان مطالعه: ۳ دقیقه)

دکتر " فتحی ابراهیم عبدالعزیز الشقاقی " دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین از شهدای اهل سنت، در سال ۱۹۵۱ در شهر غزه متولد شد. شقاقی به دلیل فعالیت های اسلامی سیاسی تحت پیگرد قرار گرفت و سرانجام به جرم بنیانگذاری جنبش جهاد اسلامی (۱۹۸۰) پس از تحمل چند ماه زندان از خاک مصر اخراج شد. وی تا هنگام شهادت، برای آزادی قدس شریف در خارج از فلسطین به فعالیت و کمک به مبارزان فلسطینی ادامه داد.

دکتر فتحی شقاقی راجع به اسلام و دشمنان آن می گوید: هدف ما پیروزی اسلام در فلسطین و در جای جای گیتی است. ما ایمان قلبی داریم که اسلام راه صلاح و رستگاری بشریت است.

ایشان در مورد امام خمینی (ره) چنین اظهار می کند: سخن گفتن از امام خمینی (ره) و فلسطین به معنی سخن گفتن از عظیم ترین مردان قرن و خطرترین قضایای قرن است... بحث ما از مردی است که خلاصه عدالت سرکوب شده تاریخ بشری است و قضیه ای که شدیدترین انواع ستمها و سرکوبها را در خود مجسم ساخته است. این مرد از بدو حضورش در صحنه های بین المللی، پیش از ۲۲ بهمن محور اهتمام جهانیان قرار گرفت و این قضیه امروز مرکز و قلب کشمکش جهانی است! هیچ کس قبل از او در این قرن قادر به حمل پرچم اسلام نبود و چنین برخوردی جدی با مسأله فلسطین نیز نداشته است.

بخشی از وصیت نامه شهید:

«سرور جوانان اهل بهشت، حسین بن علی بن ابیطالب (ع) در سپیده دم یک روز تاریخی، در صحرای کربلا، صحنه های درخشانی را به نمایش گذاشت که در حافظه تاریخ جاودانه مانده است و هرگز از یادها فراموش نخواهد شد. او با شهادت در راه حق و دادگری، نماد انسانیت به تمام معنی را تجلی بخشید... باید تا آخرین راه به جهاد و مبارزه برای آزادی فلسطین از دست دشمنان، ادامه دهیم. من با عقل و روح خود می بینم که کشورم آزاد خواهد شد و فلسطین به ما باز خواهد گشت و از آن ما خواهد بود...»

رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت شهادت این مبارز پیامی به این شرح صادر فرمودند:

مجاهد مؤمن، شجاع، متفکر و مخلص، شهید دکتر فتحی شقاقی یکی از چهره های درخشانی بود که فجر مبارزات اسلامی مردم فلسطین در دهه اخیر را پدید آورد و همه توان و امکان و اکنون جان عزیز خود را بر سر این جهاد مقدس گذاشت... اکنون آن مجاهد مؤمن و مخلص به شهادت که آرزوی همه مبارزان خالص و صادق است نائل آمده است ولی این جناب با قاطعیت اعلام می کنم که این مرگ سرخ و افتخارآمیز مایه اشتداد نهضت عظیم اسلامی در فلسطین خواهد شد و مظلومیت او، مظلومان فلسطینی را در مجاهدت فی سبیل الله راسخ تر خواهد ساخت.

